

سیاست خارجه روسیه:

عقاب دو سر

ترجمه: زهرا رحیمی

■ این روزها در حالی که مقامات رسمی روسیه عقاید متضادی را در مورد مواضع مسکو در قبال موج اعتراضات مردمی در جهان عرب ارایه می دهند، عرصه سیاست خارجه این کشور شبیه به میدان جنگ داخلی شده است.

در حالی که ناآرامی‌ها در منطقه آغازگر تغییرات شگفت آور سیاسی بوده است، رهبران روسیه واکنش‌های دوگانه‌ای را در پیش گرفته‌اند که از سویی مربوط به مردم خاورمیانه می‌شود و از سویی دیگر اهداف استراتژیک مسکو در منطقه را پوشش می‌دهد اما به نظر می‌رسد در این روند، دوگانگی سیاسی که معمولاً از سوی کرملین به صورت پنهانی اجرایی می‌شد، در حال عمومیت یافتن است. برخی سیاست‌گذاران خواستار هم راستایی سیاسی بیشتر با غرب هستند و دیگر سیاست‌گذاران از مقامات روسیه می‌خواهند که فشار غرب را نادیده گرفته و در حفظ منافع روسیه قاطعانه رفتار کنند.

هفته پیش میخائیل مارگلفوف، نماینده ویژه ریاست‌جمهوری روسیه در امور آفریقا در پی بازگشت از اییی، رهبران مخالفان دولت لیبی را افرادی جدی و مسؤولیت پذیر توصیف کرد که هیچ عقیده افراطی را پرورش نمی‌دهند و از ایده میانجیگری روسیه در لیبی حمایت می‌کنند.او تاکید دارد که معمر قذافی، رهبر لیبی با بمباران کردن و به گلوله بستن مردم خود حق اخلاقی برای حفظ قدرت را از دست داده است. این اظهارات با دیدگاه مقامات وزارت سیاست خارجه روسیه در تناقض کامل است. پیش از این سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه چندین بار اعلام کرده بود که قطعنامه ۱۷۴۱ شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر اعمال مقررات منطقه ممنوعه پرواز در آسمان لیبی، حکم عملیات زمینی یا تغییر حکومت در لیبی را تأمین نمی‌کند وی هشدار داد که اقدامات ناتو در لیبی در حال تبدیل شدن به مبارزای زمینی است، دورنمایی که مسکو آن را «هشناکه» خوانده است. لاوروف در اظهارات خود تاکید دارد که روسیه از هدف فرانسه و انگلیس در مورد استفاده از هلیکوپترهای نظامی آگاه است و دیدگاه خود در مورد اقدامات ناتو را ابراز داشته است. روسیه اتفاقات واقع شده در لیبی را چه به عمد یا غیرعمد آغازی بر حملات زمینی می‌داند و آن را السفاک می‌خواند. دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه ماه گذشته در اقدامی دور از انتظار، طی نشست گروه هشت در فرانسه به قدرت‌های غربی پیوسته و خواستار کناره‌گیری معمر قذافی از قدرت شد. از سویی دیگر مدودف ماه گذشته در اقدامی بی‌سابقه، اظهارات تند ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر این کشور که قطعنامه شورای امنیت در حمایت از عملیات نظامی علیه لیبی را به «دعوت به جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی» تشبیه کرده بود را مورد انتقاد قرار داد. رئیس‌جمهور روسیه چنین اظهاراتی را غیرقابل قبول خوانده و هشدار داد که این امر می‌تواند منجر به جنگ تمدن‌ها شود.

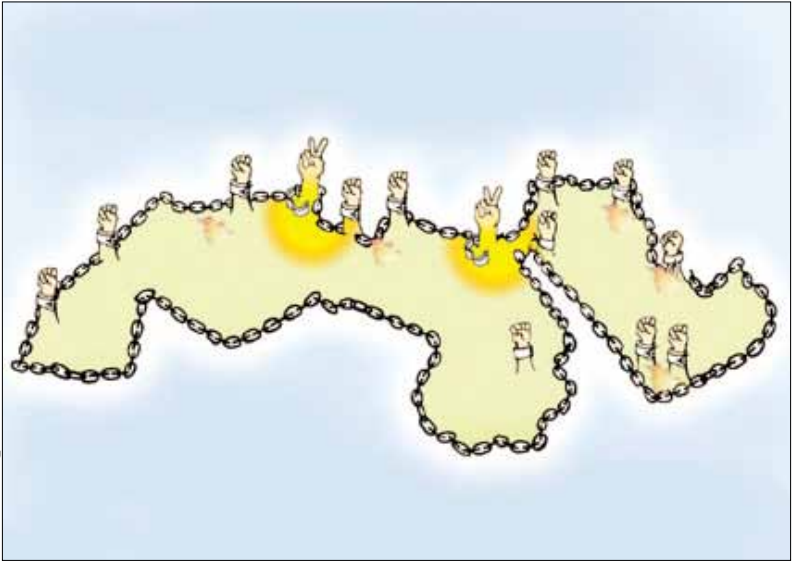
دوگانگی رویکرد روسیه، مانند عقاب دو سر است که تحلیل‌گران سیاسی را ترغیب می‌کند اظهارات عمومی اخیر را نشانه‌ای از شکاف عمیق‌تر در قطار سیاست روسیه بدانند. برخی تحلیل‌گران روسیه معتقدندنشانه‌هایی که به چشم می‌خورند، بیانگر وجود دو مرکز سیاست‌گذاری در روسیه است؛ یکی در کرملین و دیگری در کاخ سفید. به عقیده آنها این تغییرات در تمام ابعاد حکومتی روسیه وجود دارد، از سیاست‌های داخلی و خارجی گرفته تا مسائل اقتصادی و پرسنلی. دلیل عمده اینکه این تغییرات و دوگانگی‌ها در سیاست خارجی نمود بیشتری دارد، قدرت‌مند بودن اهرم رییس‌جمهور این کشور در سیاست خارجه نسبت به سیاست داخلی است. تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که ریشه این شکاف در مسائل تاکتیکی به چشم می‌خورد اما مدودف بیش از پیش از سیستم نظارت و مدیریتی که از پوتین بر جای مانده، آزرده است. هیچ تردیدی وجود ندارد که رقابت مداومی میان این دو رهبر و تیم‌هایشان وجود دارد. ناگفته نماند که دیگر ناظران سیاسی این شکاف عقیده‌ای را تنها بازی سیاسی می‌دانند که با هدف منحرف کردن ذهن حوزه‌های انتخاباتی در آستانه انتخابات پارلمانی روسیه طراحی شده می‌دانند. به عقیده سرگنی مارکوف، کارشناس مسایل روسیه هیچ اختلاف عقیده‌ای میان مدودف و پوتین یا عدم توافق میان لاوروف و مارگلفوف وجود ندارد. آنچه جهان شاهد آن است مانور تاکتیکی است میان چالش‌های سیاسی پیش روی کرملین و ضرورت تسکین افکار عمومی. مارکوف بر این عقیده است که کرملین به دلایل تاکتیکی با سیاست رهبران غرب که خواستار تغییرات دموکراتیک در آفریقا و خاورمیانه هستند، هم راستا شده است. با این حال تحلیل‌گران از خصم افکار عمومی روسیه نسبت به تکریم غرب در کرملین خبر می‌دهند و پوتین به عنوان عضو سابق کاگ‌ب، از عملکرد مؤسسات سیاسی خارجی آگاه بوده و مانند عموم مردم روسیه در مورد انگیزه‌هایش بدگمان است. تفاوتی ندارد در مورد بمباران لیبی یحث کنیم یا یوگسلاوی و عراق، افکار عمومی روسیه ظن بالایی به انگیزه‌های غرب دارد. ولادیمیر پوتین به عنوان رییس حزب روسیه متحد که با انتخابات روسیه روبه‌رو است، نیز حساسیت بیشتری به این انگیزه‌ها داشته و مایل به حفظ منافع روسیه است. با وجود اختلاف عقیده، هر دو رهبر روسی اعلام کرده‌اند که سیاست خارجه همچنان در انحصار رییس‌جمهوری است. مارک در ایسن زمینه می‌گوید: نباید ایسن واقعیت را فراموش کنیم که سرگنی ایوانوف (معاون نخست‌وزیر، لاوروف و رشید نور الحلیف (وزیر کشور) اعضای بلوک وزارتی ریاست‌جمهوری روسیه هستند.

منبع:ریانوستی

رویکرد متفاوت عربستان، عمان و مراکش با بهار عربی

جامعه‌ای در حال گفت‌وگو با خود

نوشته: بلال الحسن



طرح: سمیر الریاحی

سامان پیدا کند به نحوی که یک حکومت غیرمتمرکز را نیز دربرداشته باشد.

ایسن رویکرد را ابتدا ملک محمد ششم به صورت شخصی در سخنان خود (۲۰۱۱/۳/۹) مطرح کرد. ایسن درحالی بود که تظاهرات مردمی در این کشور هنوز تازه (از ۲۰۱۱/۲/۲۰) شروع شده بود. پادشاه در سخنان خود خواستار تعدیل قانون اساسی و مشارکت مردمی از همه طیف‌ها و احزاب در یک گفت‌وگوی ملی برای ایجاد این تغییرات شد.

مغرب هم اکنون شاهد همین گفت‌وگوهاست که تاکنون نه در مغرب و نه در هیچ کشور عربی دیگر سابقه نداشته است. وی در سخنان خود خواستار بازنگری در قانون اساسی و در صدر آنها مسایلی چون صحرای غربی شد و در همان حال به روسای آشتی ملی این اختیار را داد که بتوانند پیشنهادات خود را عملی سازند. او همچنین در سخنان خود از یکسری امور ثابت حرف زد و بر مسایلی چون اسلام به عنوان دین دولت و مرجعیت پادشاهی (به عنوان امیرالمومنین) و تکیه بر نظامی پادشاهی و تاکید بر

نکته

واکنش رژیم‌ها و نحوه برخوردشان با این جنبش‌ها متفاوت بود. در همان زمان که اکثر رژیم‌ها به شیوه مقابله با این جنبش‌ها روی آوردند سه رژیم بر خودی متفاوت با آنها را در پیش گرفتند

وحدت ارضی کشور و راه‌حل دموکراتیک پای فشرده. در پایان نیز خواستار یک اصلاح همه جانبه قانون اساسی شدکه مسایل محوری از جمله مسایل مربوط به آمازیغی‌ها را به ویژه از نظر هویت و زبان مورد بررسی قرار دهد. مسالهای حساسی که سال‌هاست در بین دو نظر کاملا متناقض گرفتار آمده و قاهم این دو دیدگاه نیز دشوار می‌نماید.

مغربی‌ها سخنان پادشاه را در بوته نقد گذاشتند و درباره آن پیشنهادهاتی را ارایه دادند. در بطن این مشاجرات بود که بیانیه‌ای تحت عنوان «بیانیه دموکراتیک» از سوی گروهی از شخصیت‌های موجه منتشر شد. این مجموعه شامل تعدادی از روشنفکران، نویسندگان، اقتصاددانان، اساتید دانشگاه و رهبران احزاب و وزرای سابق می‌شد. این بیانیه به دقت و وضوح مسایل حساس را مورد توجه قرار داد. از جمله مسایل مربوط به زبان آمازیغی‌ها و مساله دین و دولت و زمانی که در تاریخ ۲۰۱۱/۶/۲۰ چاپ شد، توجه بسیاری را برانگیخت. واکنش‌ها مثبت بود اما برخی از واکنش‌های منفی و

تند را هم به همراه داشت. بیانیه مدعی بود پیشنهادهاتی را ارایه داده است و نه چیزی بیشتر و مانند بیانیه‌های گذشته نیست که باید آن را رد کرد یا قبول. بیانیه مذکور بر اصل شهروندی و مشروعیت مردمی تاکید داشت و اصل گردش قدرت را تضمین‌کننده حسابرسی و استقلال قوا از جمله قوه قضاییه می‌دانست. درباره رابطه دین و دولت نیز دیدگاهی کاملا نوگرا داشت و می‌گفت: اسلام دین جامعه و مردم مغرب است و قانون اساسی آزادی شهروندان برای انجام مناسک دینی خود را حفظ کرده و برای همه تضمین می‌کند. همچنین حقوق دینی غیرمسلمانان را تضمین می‌کند و قدرت دینی حکومتی را به پادشاه به عنوان امیرالمومنین واگذار می‌کرد.

بیانیه دموکراتیک در مورد بسیاری از مسایل موضعی صریح و روشن گرفت. برای مثال می‌گفت:

۱- قانون اساسی بر یک زبان رسمی در سطح کشور تاکید می‌ورزد اما در همان حال زبان‌های محلی گوناگون را – مانند آنچه در فرانسه یا آمریکا، آلمان، ایتالیا، روسیه و چین جریان دارد – به رسمیت می‌شناسد.

۲- در کشور علاوه بر رژیم مرکزی، نظام‌های کنفدرالی یا استانی مانند سوییس، بلژیک و کانادا به رسمیت شناخته‌می‌شود.

۳- مغرب در مجموع به کشورهای عربی تعلق خاطر دارد و خود را متحد با آنها می‌داند. از این رو زبان عربی زبان رسمی کشور بوده و در عین حال زبان‌های آمازیغی و حاسویه در صحرای غربی به رسمیت شناخته می‌شود. در این بیانیه مسایل دیگری نیز مطرح شده است. با این حال برخی با آن مخالفت کرده و به طور مثال معتقدند که این بیانیه مردم مغرب را از داشتن حق هویت آمازیغی محروم کرده است و می‌گویند ما با تمام قدرت در برابر هر کسی که بخواهد حقوق ما را نادیده بگیرد می‌ایستیم.

به هر حال، گفت‌وگوهای مذکور در کنار تظاهرات مردم و سخنان پادشاه که خواستار تدوین یک قانون اساسی جدید شده است و این بیانیه دموکراتیک، همه و همه نشان می‌دهد که مردم مغرب به صورتی جدی مشغول گفت‌وگوی با خود هستند. گفت‌وگوهایی که به صورتی گسترده بین دولت، ملت، نخبگان سیاسی و فرهنگی درگرفته است. گفت‌وگوهایی که می‌تواند به تعمیق دموکراسی و پیشبرد آن کمک فراوانی بکند.

منبع: الشرق الاوسط

ظرفیت‌های روسیه در خزر

■ زهرا بانو وافی: تا قبل از فروپاشی شوروی امور مربوط به دریای خزر براساس توافق‌های دوجانبه بین ایران و شوروی حل و فصل می‌شد، اما بعد از فروپاشی شوروی تعداد بازیگران و مدعیان حقوقی این دریا ناگهان افزایش پیدا کرد. از تاریخ فروپاشی شوروی، کشورهای تازه‌ای پدید آمدند و در کرانه‌های خزر با ایران و روسیه همگرایانه شدند، ورود سرمایه و تکنولوژی خارجی با هدف اکتشاف و استخراج منابع نفتی و گازی خزر زمینه‌ساز نفوذ اقتصادی و سیاسی فرامپتنه‌ای از همه سو به این حوزه شد. حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر به عنوان یک منطقه کارکردی در نظام جهانی، از پنج واحد سیاسی یا کشور مجاور یکدیگر تشکیل یافته است، که هویت خود را از دریای خزر گرفته و حول آن گرد آمده‌اند. از مرزهای طولانی ایران و اتحاد جماهیر شوروی تنها دریای خزر قلمرو تماس مستقیم دو کشور است. قلمروی به عنوان بستر جغرافیایی تعاملات تجاری – اقتصادی و نیز محور مکانی تهدید روسیه، اساس پایدار قضایی در روابط ملموس دو کشور است. روسیه قدرتمند

آینده با تضعیف شده کنونی، انگیزه‌های متعددی برای دخالت در امور دولت‌های حوزه دریای خزر حتی با استفاده از قوه قهریه خواهد داشت؛ بنابر این کشورهای منطقه در حاشیه مرزهای جنوبی روسیه را با تهدیدهای منطقه‌ای و داخلی مواجه خواهد کرد. تهدیدهایی از قبیل: منطقه‌ای، قبیله‌ای، نژادی، طایفه‌ای، فقر و مشقت شدید اقتصادی، خرابی زیست‌محیطی، هویت‌های ملی خدام و بی‌تجربه‌بنابر این فدراتیو روسیه می‌تواند برای بازگرداندن نظم و جلوگیری از شورش‌های داخلی و احتمال سرایت این تهدید به داخل مرزهایش وارد عمل شود و حافظ صلح دریای خزر نقش آفرینی کند. تمایل آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو برای حضور در حاشیه دریای خزر کمک به حل تنش‌هاها و نامشروع جلوه دادن احتمالی روس‌ها باشد. دریای خزر به علت محاط بودن در خشکی و عدم ارتباط با دریای آزاد دریاچه‌ای با وسعت ۶۱۵ برابر دریاچه اورال و ۱۲ برابر دریاچه بائیکال و ۲۰ برابر دریاچه ادوکاست. دریای خزر این دریا در شمال ایران، جنوب روسیه، غرب ترکمنستان، غرب و شمال غربی قزاقستان و در شرق آذربایجان واقع شده است. بیشترین ساحل دریاي خزر متعلق به قزاقستان با ۱۹۰۰ کیلومتر مساحت و کمترین آن با ۶۵۷ کیلومتر مساحت متعلق به ایران است. دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان در مرز اساع و اروپا و در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده است، این دریا با بیش از ۳۷۰ هزار کیلومتر مربع مساحت بزرگ‌ترین و غنی‌ترین دریاچه جهان است که دارای منابع عظیم نفت، گاز و ذخایر بیولوژیک و امکانات مناسب کشتیرانی است.

Life's Good

اینترنِت ، سرگرمی ، 3D

نسل جدید سینما سه بُعدی

CINEMA 3D SMART LED TV

گواهی بین المللی تصویر بدون پریش ؟

بله

عینک بدون باتری ؟

بله

عینک سبک و راحت ؟

بله

عینک ارزان ؟

بله

زاویه دید گسترده ؟

بله

تصویر شفاف ؟

بله

سایر سه بُعدی ها

خییر

سایر سه بُعدی ها

خییر

سایر سه بُعدی ها

خییر

سایر سه بُعدی ها

خییر

سایر سه بُعدی ها

خییر

سایر سه بُعدی ها

خییر

گل‌دیداران

www.golidear.com

۰۹۶۸۵